

آفتاب حق همیشه میدرخشد

۴۲- یریدون ان یطفنوا نور الله باقوا هم ویایی الله
الا ان یتم نوره ولو کره الکافرون .

: میخوانند نور خدا را با دمیدن خاموش کنند و خداوند
حتماً نور خود را کامل میگرداند اگرچه کافران نخواهند .

۴۳- هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره
علی الدین کله ولو کره المشرکون .

او است که پیامبر خویش را با هدایت و آئین حق فرستاده تا
آن آئین را بر تمام ادیان غالب و پیروز گرداند گرچه مشرکان
ناخوش دارند .



لطیفترین موجودات جهان طبیعت نور است ، نور زیباترین و پر برکت ترین چیز است
که در صفت کیتی بچشم میخورد و تقریباً زندگی تمام موجودات بستگی بآن دارد ، و کمتر
موجودی از نظر منافع بیایه آن میرسد و خواص مهم آن بقرار زیر است :

- ۱- پرورش دادن گیاهان ، درختان و جانداران .
- ۲- سریعترین حرکات ، حرکت نور است ، در هر ثانیه سیصد هزار کیلو متر راه
می پیماید .

۳- نور وسیله تشخیص تمام مناظر است ، و موجودات مختلف بکمک حس بینایی از
هم تمیز داده میشوند ، و این حس مهمترین حس ظاهری انسان محسوب میشود که بدون آن
کوچکترین فعالیت را نمیتوانند انجام دهد ، و بهمین دلیل بدان و دزدان همواره از ظلمت و
تاریکی استفاده میکنند ، راهزنان و گردنه زنان هنگامیکه میدان فعالیت بشر و تاریکی
و بی نوری فرامیگیرد ، دست بتاراج میزنند ، و همچنین حیوانات درنده از غارها بیرون
آمده دنبال شکار میروند .

شما بایک مختصر تدریس می‌توانید مشابه همین آثار و خواص را در نور معنوی دریابید، نور معنوی عبارتست از ایمان بخدای یگانه و روزرستاخیز، و مظهر کامل آن، بکار بستن برنامه‌هایی است که از طرف خدای جهان وسیله فرستادگانش برای ما ابلاغ گردیده است اینک بیان خواص نور معنوی :

۱ - در پرتو نور ایمان فکر پرورش مییابد، و شمع فکر از نمودهای طبیعت تجاوز نموده و بسیر و تکامل خود با تفکر در عالم دیگر ادامه میدهد، و از نظر عمل، گلهای فضائل اخلاقی در گلزار وجود انسان میروید، و با تابش نور معرفت و عقیده، این فضائل روحی بصورت ملکات عالیة انسانی درمیآید.

۲ - انسان در پرتو نور ایمان به سریعترین ترقی موفق میگردد نحوه پیشرفت مردان با ایمان، با افراد غیر مؤمن کاملاً محسوس است، نور ایمان سرعت برق آسا حاملان آنرا به هدف میرساند.

۳ - حق و باطل در سایه نور ایمان از هم تشخیص داده میشود دزدان اجتماع، همواره از تاریکی کفر، و ظلمت بی‌ایمانی استفاده کرده و بنظورهای سیاسی، طبع جامعه را برای از دست دادن همه گونه فضائل آماده میسازند.

بر اثر همین مناسبات قرآن تمام کتابهای آسمانی را خود نور و با صاحب نور خوانده است و مایارای از موارد استعمال واژه « نور » در قرآن اشاره مینمائیم :

پاره‌ای از موارد استعمال « نور » در قرآن

نور در پاره‌ای از موارد بمعنای اسلام و ایمان بکار رفته است از آنجمله این آیه و مشابه آن : **اللّه ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور (۲۵۷ - بقره)**، و نیز «ظلمت» در مقابل ایمان که همان کفر است بکار رفته است؛ و درباره دیگر، مقصود از این لفظ خود قرآن است مانند آیات زیر :

۱- **فالذین آمنوا به و عزره و نصره و اتبعوا النور الذی انزل معہ اولئک ہم المفلحون (اعراف - ۱۵۷)** : کسانی که با او (پیامبر) ایمان آورده‌اند و او را گرامی داشته و یاری نموده‌اند، و از نوریکه (قرآن) بوی نازل گردیده پیروی نموده‌اند، آنان رستگارانند.

۲ - **فآمنوا بالله ورسوله و النور الذی انزلنا (تفابن - ۸)** بخدا و پیامبر او و نوریکه (قرآن) بروی نازل گردیده است ایمان بیاورید.

۳ - **یا ایها الناس قد جاءکم برهان من ربکم و انزلنا الیکم نوراً مبیناً**

(نساء - ۱۷۴) ، ایردم حجت قطعی بسوی شما آمده است و نوری برای شما فرو فرستاده ایم .

و در برخی از موارد احتمال دارد که مقصود خود پیامبر اکرم و با دلائلی که از جانب او نسبت بتوحید خدای یگانه و رسالت او در اختیار داریم باشد . مانند این آیه : قد جاءکم من الله نور و کتاب مبین (مائده - ۱۵) . بسوی شما از جانب خدا (نور) و کتاب روشن آمده است .

مؤلف «المنار» مدعی است که مقصود از «نور» در آیهی مورد بحث (والله متم نوره) همان اسلام و آئین خدا است ، و مقصود از اتمام آن تکمیل آنست . و خداوند بموجب آیهی الیوم اکملت : بوعده خود وفا نمود ، ولی مع الوصف میتوان گفت که مقصود از «نور» همان پیامبر اکرم و یا کتاب آسمانی او است ، و منظور از اتمام نفوذ قدرت و غلبه جهانی او است ، و هر گاه مقصود قرآن باشد ، منظور از اتمام آن همان نشر و رساندن و اشاعه آنست .

بزرگترین مانع برای پیشرفت اسلام .

شدت عمل مشرکان در آغاز اسلام بیش از اهل کتاب بود ، ولی از آنجا که عقائد آنان باطل و بمنزله ظلمت در مقابل نور بودند - لذا - در برابر منطق قوی و نیرومند اسلام بزانو درآمدند بسیاری از آنها پیرو آئین حق گردیدند ، و گروهی متواری و یادر صحنه های جنگ جان سپردند و طلیعه اسلام مقارن با زوال و سقوط دولت شرك گردید ، لکن پیروان آئینهای آسمانی پیشین با اینکه تورات و انجیل را در اختیار داشتند که قرآن درباره آنها میفرماید انا انزلنا التوراة فیها هدی و نور ، و آئیناه الانجیل فیها هدی و نور (مائده ۴۴ و ۴۶) و شایسته بود که همین گروه پیشقدم در پذیرفتن آئین آسمانی باشند که کتابهای دینی آنان بشارت آنرا داده است ، - مع ذلك - از آنروزیکه ستاره اسلام طلوع نموده تا امروز که بیش از چهارده قرن میگذرد ؛ همواره این آئین باک از طرف این گروه مورد حمله قرار گرفته است .

در آغاز بعثت با مشرکان «قریش» و بت پرستان جزیره العرب همدست شده و با دادن کمکهای مالی و نظامی ، نیروی مرکزی اسلام را تضعیف مینمودند هنگامیکه نیروهای اسلامی تمام قدرتهای آنروز راتحت الشعاع خود قرارداد داده بود ، گروهی از آنها ایمان آوردند ، و عدهای با پرداخت جزیه بر آئین خود باقی ماندند ، ولی در باطن میکوشیدند

که بهر وسیله ای ممکن باشد کاخ رفیع اسلام را ویران سازند ، و تخت حکومت آنرا واژگون نمایند تلاشهای مداوم مسیحیان در مدت چند قرن سبب شد که جنگهای صلیبی پیش آید ، و در نتیجه مدت دوست سال حکومت مرکزی اسلامی و حوزه های تابعه راسرگرم و مشغول نمودند تا از نفوذ پیشرفت آن جلوگیری بعمل آورند ، و در مدت این دوست سال چه اطمه ها بر یکر اسلام وارد آمد ، چه در خونهای ریخته شده که تاریخ تمام آنها را ثبت کرده است ، و چون سرانجام مسلمانان پیروز گشتند ، دستگاه های مذهبی نصاری ، بعد از کوششها بمنظور انتقام ، سران مغول را برای تسخیر ممالک اسلامی و از بین بردن نظام مسلمانان تحریک نموده و با وسائلی روابط مسلمانان و مغول را تیره نمودند ، و کار بجائی رسید که جمعیت بیشماری برای قتل و غارت ، کشتن و تاراج از مغولستان برافراشته و از هر گونه خسارت خودداری ننمودند (۱) .

امروز تاریخ پرده هارا بالا زده و جریان مغول را بطور درست معلول فعالیت های خستگی ناپذیر دستگاه های مذهبی اهل کتاب میداند ولی مشیت خدای بزرگ مسلمانان ، خدائیکه میگوید و یایی الله الا ان یتم نوره بر این تعلق گرفته بود ، که بار دیگر بر جم توحید در نقاط جهان باهتر از در آید روی همین اصل ، تمدن و قیافه واقعی اسلام ، سران سیاسی مغول را تحت تأثیر خود قرارداد ، و کار بجائی رسید که سران و فرزندان مغول اسلام پذیرفته و عوامل تحکیم مبانی دین اسلام را در قلوب جهانیان بار دیگر بوجود آوردند .

ولی مسلمانان و جوانان غیر و فرزندان رشید اسلام بدانند که هنوز کینه توزیهای آنان پایان نپذیرفته است ، و هر روز به نیرنگی برای درهم شکستن صفوف فشرده مسلمانان متوسل میشوند ، تا جائیکه یکی از رجال سیاسی معروف انگلستان بیانیه زیر را تقریباً هشتاد سال پیش صادر نمود ، و تمام جهان مسیحیت را دعوت نمود که تصمیم قاطع بر اجراء جزئیات آن بگیرند .

وی در ضمن نطق خود چنین گفته بود تا کتاب آسمانی مسلمانان در میان آنها حکم فرماست و اساس سیاست جهانی آنها بشمار میرود ، مادامیکه بزرگترین پایگاه مسلمین (مکه) باقی است ، و هر سال باشکوه ترین اجتماع و عظیم ترین کنگره سالانه آنها در مکه برپا میگردد ، و تا در این مناره ها و مأذنه ها نام پیامبر اسلام طنین انداز است ، جهان نصرا نیت بر اثر این سه نیروی بزرگ در سرایشی سقوط است و جهان نصرا نیت بایست برای

(۱) برای اطلاع کامل از مدارک این موضوع رجوع شود به ج ۲ - جامع التواریخ

رشیدی ، و تاریخ ایران تألیف مرحوم عباس اقبال .

نابود ساختن این سه نیرو تلاش کنند؛ یعنی قرآن را از میان بردارند؛ کعبه را ویران سازند و نام پیامبرشان را از بین ببرند

آنچه گفته شد نمونه‌هایی است از فعالیت‌های ضدانسانی اهل کتاب؛ که در طول چند قرن از آنها بروز کرده است ولی خدای بزرگ تمام این جنب و جوش‌ها را با عبارت کوتاهی بیان میکند میفرماید: **یُریدون لیطفنوا نور الله**. یعنی تمام این تلاش‌ها بسان تلاش کسی است که بخواهد یک مشعل فروزان و قوی را با دیدن خاموش گرداند؛ ولی این را بدانند که خدا نور خود را علی رغم تمام این تلاش‌ها کامل خواهد نمود.

آئین پیروزی بر تمام آئینها دین اسلام است.

آیه سی و سوم بحکم جمله **لیظهره علی الدین کله**، در آن روزه رسول اکرم و عموم مسلمانان نوید داد که پیروزی نور خدا (اسلام) بر تمام ادیان قطعی و خلل ناپذیر است (۱) ولی مقصود از این غالب بودن چیست؟ گاهی تصور میشود که منظور پیروزی اسلام است از نظر منطق و استدلال؛ که تمام ادیان و ملل جهان در برابر منطق قوی قرآن بزانودری آیند، ولی بیشتر مفسران بر اینند که مقصود همان انتشار و نفوذ آئین اسلام است در تمام اقطار بطوریکه عظمت و غالبیت آن بر تمام ادیان واضح و روشن گردد، ولی آنان در ظرف تحقق این خبر قطعی اختلاف دارند، اما با این اختلاف، معتقدند که نتیجه این دو همان تحریک و ترغیب مؤمنان است که در راه اعتلاء و سر بلندی و نفوذ آن بکوشند، زیرا بدانند که اراده خلل ناپذیر خدا بر این تعلق گرفته است که آئین حق خود را بدست شما مؤمنان در روی زمین انتشار دهد.

ظرف تحقق این خبر چه هنگام است؟

از آنجا که این آیه از یک پیروزی قطعی گزارش میدهد، مفسران در طرز تفسیر آن

(۱) گاهی گفته میشود که منظور از «**لیظهره**» اینست که پیامبر خود را بتمام روز آئین و اسرار آن آگاه میسازد، و مبنای این تفسیر اینست که ضمیر «**لیظهره**» به «رسول» بر میگردد؛ نه به «دین حق». در اینکه کلمه ی اظهر؛ بمعنای اطلاع دادن بکار می‌رود مورد شک نیست چنانکه می‌فرماید فلما اظهره الله علیه عرف بعضه و اعرض عن بعض (تحریم - ۳) ولی گفتار مزبور از دو نظر قابل ملاحظه است، اول: با بودن مرجع نزدیک، بر گرداندن ضمیر به مرجع دور چندان مناسب نیست. دوم جمله **لیظهره** بمنزله جمله ی و افه متم نوره است که در آیه جلوتر آمده است و بدون آن مقصود از اتمام نور همان پیروزیست.

باهم اختلاف دارند ، برخی گمان کرده اند چنانکه اشاره شد منظور از پیروزی اسلام ، همان غلبهٔ برهانی و استدلالی آن است ، که بر هر مطلبی از اصول و فروع ، گواه محکم از خرد و فطرت دارد و هیچ آئینی از نظر ثروت علمی و حقوقی بیای اسلام نرسد ، و بزرگترین منبع علمی و غنی‌ترین مرکز فکری همان آئین حق است ، و این مطلب بطور کامل محسوس است ؛ حتی هنگامیکه پای تمدن غرب و علوم و حقوق و رسوم و آداب و اخلاق آن بشرق زمین کشیده شده ، علم و صنعت آن دیده‌ها را خیره نموده ؛ ولی اخلاق و حقوق و فلسفهٔ الهی آن کوچکترین جلوه‌ای نداشت زیرا مسلمانان کاملتر از آنرا از قرن‌های پیش از پیشوایان خود فرا گرفته بودند .

ولی بهتر اینست که دائرهٔ این پیروزی را وسیع‌تر بگیریم و بگوئیم مقصود ، همان اعتلاء و عظمت همهٔ جانبیهٔ اسلام است که علاوه بر پیروزی از نظر علم و استدلال و تفکر ، که نصیب آن گردید ، در مدت بسیار کمی شمع قدرت آن با کثر نقاط ربع مسکون کشیده شد ، و سیادت و ریاست جهان را قبضه نمود ، و در ظرف مدت بسیار ناچیز پیروزی گویندگان لا اله الا الله بر تمام جهانیان ثابت گردید ؛ و خاک دولتی که از هر نظر بر جهان سلطنت میکردند پس از طلوع ستارهٔ درخشان آئین حق ، جزو منقرضات اسلامی گردید ، و يك مطالعهٔ اجزائی دربارهٔ وضع و قدرت مسلمانان در دو قرن اول هجری در اینباره کافی است .

بعضی از روایات شیعه و سنی دلالت دارند که این پیروزی قطعی و این دولت قاهره در دوران حکومت ؛ مهدی موعود صورت خواهد پذیرفت و پیروزی همهٔ جانبیهٔ اسلام که نمونه‌ای از آن در دوران خلفاء دیده شد ؛ پس از قیام ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) بوجود خواهد آمد .

مؤلف «النار» بابت دیرینهٔ خود ؛ مطلب فوق را صریح ندانسته است و شروع به انتقاد نموده و میگوید : اعتقاد بظهور «مهدی» و اینکه او دو مرتبه قدرت اسلامی را تجدید مینماید ، یکی از مسائل عقب افتادگی مسلمانان است و امید بچنین قدرت آنان را افرادی کم کار و تنبل بار آورده است و بیپایانه اینکه فرجی نزدیک است و او چنین و چنان خواهد نمود ؛ طومار فمالتیها را در هم پیچیده و قدمی برای اعتلاء اسلام بر نمیدارند .

انتظار فرج يك بر نامهٔ تربیتی است

ولی بایست مؤلف «النار» متوجه شوند که بر نامهٔ انتظار فرج و قیام مهدی يك بر نامهٔ تربیتی است ، حالا اگر گروهی از مسلمانان از این بر نامهٔ تربیتی ؛ مانند دهها قوا این اصلاحی سوء استفاده مینمایند ؛ از تباطی باصل قانون ندارد دلیل ما بر اینکه انتظار (بقیه در صفحه ۱۶)